

شتر

شتر

زرافه

مجلس و راهبرد اصلاح نظام حقوقی



۱. هر رسانی‌بر سر سراه توسعه متوازن کشور نیازمند شاسایی دقیق و ارائه طریق است. در ابتدا انگشت اتهام به سوی دو مظنون نشانه می‌رود، «قانون» یا «اجرا». این دو مهم ردیف اول هستند. در یک نگاه کلی، روند قانون‌نویسی و مقره‌گذاری در کشور به‌شدت نیازمند بازنگری، ساماندهی، همگون‌سازی، توسعه و اصلاح است. یک نامحکومی و نارسااستی در چهار دهه گذشته حادث شده است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۸۰ درصد از قوانین تصویب‌شده دوره پیش، استثنای به اصلاح قوانین گذشته بوده و اینجاست که عیب قانون مشخص و با گذر زمان پدید «قانون‌گذاری حساب‌نشد» نمایان می‌شود. از این زاویه، تئورق تقنینی در زمینه مواد مخدر، قوانین قضائی و جزائی و الغای دادرها، معافیت‌های مالیاتی، مطوعات، اشتغال، تولید، محیط زیست خصوصا تصمیمات اقتصادی نظیر حجم تفذیکی، بالابودن نرخ تورم، افزایش نرخ بی‌کاری، وابستگی شدید بودجه به درآمدهای نفتی، حجم بالای واردات کالاها، مصرفی، شکل‌گیری تبعات منفی در تجارت خارجی ایران، به‌ویژه در ورود کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای و مطلوبت نگارنی را تعمیق می‌بخشد.

۲. مظلویت قانون به اثر سازنده و پهرمندکننده آن برای زنگی

بهینه شهروندان است. اگر چنین دید قانون کارکرد خدود دارد.

قانون باید با شریعت‌بخش‌های و انطباق ارزشی و کارکرد اثربخش داشته باشد. مطابق وجدان شهروندان باشد، نظم و پیشینی‌پذیری و ثبات اجتماعی و اقتصادی در مسیر «حاکمیت قانون خوب» محقق می‌شود. قانون‌گذاری به هر قیمت مطلوب نیست. اینکه بیشترین آدمی کتبین را داشته باشیم، هر نیست. هنر این است که قانون ما، یک زندگی منظم و منطبق با بنای عقلا و حیات معقول

را به تصویر بکشد؛ و نظم و آزادی و امنیت و ثبات و برابری

را در دامن عدالت بی‌پروازد. هدف مطلوب، اجرای عدالت است و

نظم اگر ارزش دارد، به عنوان مقدمه اجرای عدالت است. چون با نظم می‌توان هیچ‌گونه عدالتی در جامعه مستقر نخواهد شد. به همین دلیل است که گاهی انسان به رغبت نظمی را واگزون می‌کند. قانون باید باوجد استانداردهای اخلایکی خصوصا تا به حقوق اساسی و

انطباق با حقوق شهروندی باشد، وگرنه «مقاومت منفی» مردم در

مقابل قوانین به مفروض خواهد بود.

۳. فزانت پیروز اصلاح و توسعه نظام حقوقی، آسیب‌شناسی و تحلیل محتوای منظمه قانونی مستقر است. راهم‌پندگی این بنا مستلزم فهم دقیق واقعیات اجتماعی، منظمه حقوقی یا ملوم از قوانین، متداخل، متشابه، متضاد، متعارف و متضاد است. هرگاه از این موارد می‌توانند مستخرج را ایجاد کند، هر قانون جدید که وارد نظام حقوقی می‌شود، مثل مژدنی است که به بدن زنده رده می‌شود. اگر این پیوند نامناسب باشد، نه‌تنها آن پیوند گریز نیست بلکه آن بدن را هم قاتل و میسمت را مختل می‌کند. باید بررسی کنیم چرا چنین وضعیتی برای ما پیش آمده است؟ آیا پیش‌نویس این طرح‌ها و اولوایج بنانهادهای مطالعه‌گانی کافی دارد اگر دارد، پس چرا این نوعی از اختلاقی و بی‌سرام‌جامی باقی می‌ماند؟ آیا اولویت‌ها در تعیین رعایت شده‌اند؟ هر زمینه قدرت تسهیل شرایط کرده یا برعکس موجبات سختی برای شهروندان دارد؟ اگر دست خفتر، قدرت عقابله حقوقی کشور، ره‌زمنه نشانه شده و خود دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقی قدرت تشخیص، عرضه تجارب تحقیقات و داخلی و بین‌المللی را لایب تقنین پیوشده‌اند خفتر فرصت از دست داده‌ایم و تجارب و موفق دیگران در نظام حقوقی را باز تریز کردیم و مردم را متحمل شکست‌های پرگشت‌ناپذیر کردیم؟

۴. این وظیفه حقوق‌دانان است که آرمان‌ها را در لباس مناسب ارائه دهند و این لباس مناسب در تحقق آن آرمان‌ها جای اثر اساسی دارد. حقوق‌دان در کنار سایر تخصص‌ها محتوای مفتضی را می‌گرد و ضمن عرضه به اصول و موازین حقوقی و فراقانونی، صورت قانون می‌پوشاند. یک فرایند شکلی ماهوی در کار حقوق‌دان هست که باید پیرایش و آرایش هرمنده‌ان‌های تدارک دیده و تحفظ و بر تئیت و استقرار حق مردم را در روند تقنین، در دستور کار قرار دهد. لازم نیست نمایندگان مجلس همه حقوق‌دان باشند، بلکه باید از این دانش درست استفاده کند و مشورت‌های به‌هنگام و حساب‌شده داده شود. حقوق‌دان متعهد و متعهد، حاضر نمی‌شود به توصیه و خوشامد تی‌نفعان، اصول بنیادین و اساسی را زمین نهد و قانون بازگون و تهی از ارزش‌های حقوقی وضع و انشاء کند. آنان که روشنت تقنین کشور را رقم می‌زنند باید افرادی باصلاحیت و با علم برادلی بالا و همچنین دردا‌شنا باشند تا از مشکلات جامعه بکاهد.

۵. نگاه مسئله‌محور برای حل مسائل اوزرآنسی و ددم‌دستی، ظرفیت دارد. به‌اصطلاح «مدیریت آتش‌نشانی» نیاز است که اول پیرامون متشعل خود را ماموش کند تا بتواند به شمع شمره‌دتری خسارت یا قید فوریت برساند. در وهله بعد، تدوین و تسقیق «قوانین جامع» در حوزه‌های مختلف مورد نیاز است. در حوزه سلامت و بهداشت، آموزش و پژوهش، تولید و خودکفایی، واردات و صادرات، مالیات و عوارض، تأمین اجتماعی و خدمات جرانی برای اقشار نیازمند، سخن و نیازهای اولیه و... ما باید قوانین جامع تدوین کنیم. این یک پیروژه ملی، اما دروندانه‌اش است. همان‌طور که سیاست‌های کلان در حوزه‌های مختلف تدوین و اعلان می‌شود، قوانین و مقررات هم باید سر جای خود قرار گیرد و ضمن عدالت و آزادی و حقوق شهروندی باشد. «ضرورت تطبیق قوانین» از آن روست که قوانینی گاهی بدون نقض صریح قوانین قبلی، الزامات مشابهی ایجاد کرده و چنانچه سازمت با دستگاهی ملزم به اجرای آن باشد، به‌سبببطل درنخواهد یافت قانون جدید با قانون شمره‌دز را اعلام نقض کرده است یا خیر و این امر نیازمند یک رستاختر قانونی است. ۶. نظام حقوقی توسعه‌گرا را به‌سبببهرندمدار یا خاستگاهی بومی می‌تواند چشم بر شرایط خاص سیاست‌پذیر بدین. قوانین و آراء باید خود را با تغییرات اجتماعی سازگار کند اما گفته می‌شود از ساختار ما نمی‌تواند این بار را تحمل کند؟ اگر قرار است در پیاسرجام به جای واردات کالای مصرفی و چنانچه سازمان با دستگاهی ملزم به اجرای قانون واردات شود، تولید و تریوت و جذب سرمایه‌های و اساسی و معرفی شوند، باید قصد هدف نظام قانونی و مقررات‌گذاری را به‌سبببستران تولید، نظام حقوقی و امور مالی در نظر داریم. هرگز نمیتوانیم سیاست‌گذاری‌ها را درآرد این امر را هم‌چنین مواردی است که مجلس جدید در اولویت قرار دهد. اما یک شبهه که شاهد گام‌های در راه توسعه و اصلاح نظام حقوقی باشیم.

تحلیل رفتار انتخاباتی مردم در مرحله دوم مجلس در گفت‌وگوی «شرق» با علی محمدحاضری

اصولگرایان نمی‌دانند، شبکه‌های اجتماعی فرمان‌پذیر نیستند

مریم کاویانی

تألیع دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی علاوه بر اینکه خوشایند جریانات تحول‌خواه و اصلاح‌طلب قرار گرفت، به شکل‌گیری سوالات تازه‌ای دامن زد که البته ریشه در تصمیم و انتخاب جامعه ایران داشت. گرچه تا پیش از برگزاری انتخابات مجلس دهم، بسیاری تأکید داشتند اقلیتی از نیروهای معتدل به مجلس راه خواهند یافت اما شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه انتخابات، همه پیش‌بینی‌ها و معادلات صحنه‌های انتخاباتی را برهم زدند و نتیجه را یک- هیچ به‌نفع اصلاح‌طلبان تغییر دادند. هنگامی که روز دهم اردیبهشت برای برگزاری انتخابات مجلس در نظر گرفته شد، پیش‌داوری‌ها حاکی از آن بود که مردم در حوزه‌های انتخابیه کوچک، رفراس سیاسی ششجمله از خود نشان نمی‌دهند و در انتخاباتی مانند انتخابات مجلس که دارای مؤلفه‌های منطقه‌ای قوی است، «موج تهران» اثری روی سایر نقاط کشور نخواهد داشت. علی‌محمدحاضری، عضو شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت‌مدرس، در گفت‌وگو با «شرق»، به تشریح چگونگی دستکاری به این موفقیت پرداخت، او به زیبایی پیام، و محتوای پیام، به‌عنوان وجه تأثیرگذار بهره‌بردار اصلاح‌طلبان از شبکه‌های اجتماعی برای گفت‌وگو با مردم سراسر کشور اشاره می‌کند و تأکید دارد که «همندهی» یا «فرماندهی» رسانه‌ها در دنیای امروز، مدلی نوکارآمد در جذب مخاطب است که طرف مقابل اصلاح‌طلبان، هنوز متوجه تأکار آن نشده است.

وچپه با شهرت اجتماعی بود که سخن با پیام این افراد را از چنان اعتباری برخوردار می‌کرد که رسانه‌ها معمولاً وادار می‌شدند تا نسبت به انتشار پیام و سخن آنها اقدام کنند چون جذب مخاطب احتیاج به داشتن سخن و پیام از سویی چهره‌های موجه یا مشهور داشت اما امروزه حتی افراد موجه و مشهور نیز بدون داشتن سخن موجه یا پیام جذاب نمی‌توانند به رسانه‌های اجتماعی و مردمی راه یابند البته وقتی زیبایی پیام با شهرت و اعتبار گونیده و تولیدکننده آن توانم می‌شود، بر پیام دهم می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد. **ک تغییرات ایجادشده در تبلیغات انتخاباتی از سویی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان به‌عنوان دو جریان حاکم بر فضای سیاسی کشور پیش‌بینی شده بود؟** جناح اصلاح‌طلب که از قبل با اهمیت و کارکرد این رسانه‌ها آشنا بود اما جریان اصولگرای طی سال‌های اخیر به اهمیت رسانه‌های جدید بیشتر بی‌تفاوت شده بود. به همین دلیل بیشترین توجه خود را مصروف دراختیارداشتن تریبون و رسانه‌های مدرن و مجازی کرد، به‌طوری‌که از لحاظ سخت‌افزاری و کمیت



فرموده‌د اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت

مراکز استان‌ها و به‌ویژه تهران رده و از آن تأثیر پذیرفته‌اند؟

مردمتوجه مردم قرار گرفته‌اند؟ آیا محدودیت این چهره‌ها در رسانه‌های

رسمی به افزایش تأثیرگذاری آنان منجر شد؟

افرادمورد اشاره توانستند از سه جهت تأثیر عمیق و باورنکردنی در مردم

داشت باشند، از یک سو محتوای پیام و مواضع و بیانثابتان به‌شدت جذاب

بود و با نیازها و مطلوبی‌های مردم هخوانی و همسویتی داشت و از

سوی دیگر سابقه‌ای داشت که به‌ویژه برای مردمی که عملکرد دولت دهم

در درشت‌گوینی‌ها و کم‌تدبیری‌های مسئولان آن را تجربه کرده بودند، بسیار

معتنی‌دار و بارزتر می‌نمود. به این امر باید عنصر سومی هم افزود و آن

ایجاد برخی محدودیت‌های بود و براساس اصل مشهور «انسان خریص علی

ما» چنین خریص شنیدن و دیدن پیام‌های جذاب داشت.

ما، حتی جوی‌ها گفت‌گفت‌ها مردم در استان‌های کوچک و حاشیه‌ای به سمت